



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌گیریم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، هم‌هانش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

می‌کنند اسکناس کاغذ یادداشت است و باید روی آن مطلب بنویسند!

یادداشت ۳

نسخه که آماده شد، قیمت آن توسط تکنیسین داروخانه به خانم بیمار اعلام شد. قیمت نسخه ۲۸ هزار تومان شده بود. خانم، کارت اعتباری خود را ارائه کرد و گفت: لطفاً بیست و دو هزار تومان دستی به من بدهید و ۵۰ هزار تومان کارت بکشید! در حالی که تعجب کرده بودم، گفتم: کارت اعتباری برای این نیست که هیچ پولی همراه نداشته باشیم و برای هر کاری، کارت خود را دراز کنیم! خانم با خونسردی گفت: من همیشه این کار را می‌کنم. خوب این هم یک نوع استفاده از کارت اعتباری است و نشان می‌دهد هنوز نحوه استفاده از آن را خوب نمی‌دانیم!

یادداشت ۴

دو نفر بودند که وارد داروخانه شدند. یکی از آن‌ها قرص سرماخوردگی بزرگسالان می‌خواست. در حالی که تکنیسین داروخانه دارویش را می‌داد نفر دیگر چنین سؤال کرد که: آقای دکتر! اسپری فلوتیگازون که یک کورتیکواستروئید است، برای بچه یک ساله خوب است؟ سؤال کردم که مشکل بچه چیست؟ پاسخ داد: بینی‌اش شبها می‌خارد!

یادداشت ۱

برای یکی از دوستانش آنتی‌بیوتیک می‌خواست. به همین دلیل سؤال کرد که آیا قرص سفیکسیم ۴۰۰ میلی‌گرمی برای گلودرد اشکالی ندارد؟ بعد از چند سؤال کوتاه به ایشان توصیه آنتی‌بیوتیک دیگری را کردم. در پاسخ به من گفت که فقط قرص سفیکسیم ۴۰۰ میلی‌گرمی روی گلودرد دوست من اثر دارد! به ایشان یادآوری کردم که اگر دارو به‌جا مصرف شود، قطعاً اثرگذار خواهد بود. اصولاً هر چیزی اگر به‌جا و درست مصرف شود تأثیر مثبت خواهد داشت.

تمام مسایل و مشکل‌ها در اثر مصرف بی‌جای هر چیزی حاصل می‌گردد. برای این که بحث را از جدی بودن خارج کرده باشم به ایشان گفتم، غذا هم که برای انسان واجب است، اگر به‌موقع مصرف نشود، باعث نفخ و دل‌درد می‌شود.

یادداشت ۲

مریض یک عدد اسکناس ۵۰ هزار ریالی را برای سه برگ قرص سرماخوردگی بزرگسال به تکنیسین داد و بقیه پولش را گرفت و رفت. نمی‌دانم چرا و چه چیزی باعث جلب توجه‌ام شد که به طرف صندوق رفتم و ۵۰ هزار ریالی را برداشتم! چیز جالبی دیدم. در قسمت سفید اسکناس نوشته بود: شارژ ایرانسل دو هزاری، دو عدد کلوچه. با این که بارها و بارها گفته شده که اسکناس سرمایه ملی هر کشوری است و برای نگهداری آن باید دقت مضاعفی شود، ولی متأسفانه هنوز خیلی‌ها به این مطلب مهم توجه نداشته و فکر

تکنیسین سؤال کرد که واقعاً از این داروخانه تهیه شده است؟
خانم مکتی کرد و گفت: مگر این‌جا داروخانه ... نیست؟
وقتی پاسخ منفی شنید، عذرخواهی کرد و رفت.

یادداشت ۶

وارد داروخانه که شد جلو رفتم و گفتم: امرتان. نگاه نگاهی به من کرد و گفت: با آقای دکتر کار دارم. مقصودش تکنیسین داروخانه بود که روپوش تمیز و مرتبی پوشیده بود و حضوری مستمر در بعدازظهرهای داروخانه داشت.
من چون در داروخانه روپوش نمی‌پوشم، همه مراجعه‌کنندگان وقتی جلو می‌روم، سراغ آقای دکتر یا خانم دکتر را می‌گیرند. صد البته مقصودشان کسانی هستند که در داروخانه با پوشیدن روپوش سفید حضور دارند، و حرفشان را به من نمی‌زنند! هنوز هم در نگاه بسیاری از افراد جامعه و مراجعه‌کننده به داروخانه کسی که روپوش به تن دارد، دکتر است!

سؤال کردم: چه کسی توصیه کرده است؟
پاسخ داد: خواهر شوهرم گفته!
به تکنیسین گفتم که یک عدد اسپری فنیل‌افرین خردسالان به او بدهد و گفتم که هر شب یک پاف در هر سوراخ بینی بچه اسپری کند و مطمئن باشد که خارش بینی‌اش خوب خواهد شد.

یادداشت ۵

این نکته را همه باید مدنظر داشته باشند که وارد هر مکانی که می‌خواهند بشوند، اول سر در آن‌جا را نگاه کرده و تابلو را به دقت بخوانند.
خانمی وارد داروخانه شد و از داخل کیش یک بسته داروی خارجی درآورد و گفت:
دیروز پسرم این دارو را از این‌جا گرفته و الان می‌خواهم پس بدهم. تکنیسین داروخانه به ایشان دو نکته را تذکر داد:
۱- دارویی که از داروخانه خارج شود، پس گرفته نمی‌شود.
۲- این دارو از این داروخانه تهیه نشده، زیرا ما هیچ‌وقت از این دارو نداشته و نوع تولید داخل آن را داریم!